

کرد و کردستان

(يك كتاب تازه بسیار ممتاز)

بازیل نی کی تین (۱) مستشرق ایران دوست روسی مؤلف محترم کتاب « ایرانی که من شناخته‌ام (۲) » و صاحب مقاله‌ها و رساله‌های نفیس بسیاری در باب ایران و ادبیات ایران و از آنجمله « ساختمان اقتصادی ایران » (۳) و « مباحث اجتماعی در ادبیات جدید ایران » (۴) - کم کم در میان ما ایرانیان شهرت بسزائی پیدا نموده است. نی کی تین که اکنون قریب بیچهل سال است با گذرنامه بی وطنان موسوم بگذرنامه نانسن با همسر خود مانند غربا در پاریس اقامت دارد شب و روز خود را صرف تحقیق و تتبع درباره مسائل مربوط بممالک مشرق زمین بخصوص ایران خودمان و کردستان و قوم کرد نموده و مینماید و در این کار چنان عشق و ذوقی دارد که نااندامی مرحوم پروفیسور براون را بخاطر میآورد.

اخیراً در نتیجه سی چهل سال زحمت و تحقیق و تتبع و جمع آوری اسناد و مدارک و مآخذ بسیار کتاب قطور بسیار نفیسی باسم « کردها - تحقیقات اجتماعی و تاریخی » (۵) بزبان فرانسه به

(۱) B. Nikitine (۲) « ایرانی که من شناخته‌ام » طهران کتابخانه معرفت، ۱۳۳۹. ترجمه آقای فرهوشی (مترجم همایون).

(۳) « La striecture économique de la Perse » (Revue économique inter-nationale, Bruxelles, septembre 1931.) - شاید بی‌مناسبت نباشد در اینجا برای

تکمیل فایده عناوین بعضی مقالات دیگر نی کی تین نیز درباره ایران مذکور آید از آنجمله است: ۱ - « افشار های ارومیه » در مجله « ژورنال آسیائی » (بفرانسه) جلد ۱ - ۱۹۲۹ میلادی.

۲ - « شگفتیهای ایران » (La Fèrie persane) (درباره نمایش صنایع ایران در لندن) در « مجله فرانسه آسیائی (Bulletin de l'Asie française) شماره آوریل ۱۹۳۱.

۳ - « رومان تاریخی در ادبیات کنونی ایران » در مجله « ژورنال آسیائی » شماره ۱۰ تا ۱۹۳۳.

۴ - « اقتصادیات ایران » « وقایع روزانه » « Bulletin quotidien », Paris, avril 1937.

۵ - « ملیت ایرانی » XV. 1949. در مجله « خاورشناسی لهستانی ».

۶ - مقاله در باب داستان « مهماندار » بقلم کنت دو گوینو XVII. 1953 در مجله خاورشناسی لهستانی.

۷ - مقاله در باب « رشت » و در باب « طوسی » در « دایرة المعارف اسلامی » از اینها گذشته نی کی تین در هشتم ماه مه ۱۹۴۸ کنفرانسی نیز درباره « اوضاع و احوال ایران از ۱۹۴۰ تا این ایام » در پاریس ایراد نموده است.

(۴) « Les thèmes sociaux dans la littérature persane moderne », (Oriente moderne, Rome, mars 1954).

(۵) « Les Kurdes - Etude sociologique et historique », (Librairie C. Klincksieck, Paris, 1956. این کتاب بدستباری و خرج « مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه » (Centre nationale de la Recherche scientifique) بطبع رسیده است.

طبع رسانده است که بلاشک میتوان آنرا بهترین و جامعترین کتابی دانست که تا کنون در باب کردها و کردستان تألیف یافته است .

این کتاب که دارای ۳۶۰ صحیفه بزرگ است مقدمه کوتاه ولی پرمغزی دارد بقلم استاد بزرگوار فرانسوی لوئی ماسین یون که محتاج به معرفی نیست و چنانکه همه میدانند در خصوص منصور حلاج تألیفات بی نظیر دارد . استاد ماسین یون در این مقدمه میفرماید :

« این کتاب اولین کتاب جامعی است که تا بحال درباره تمام مسائل مربوط بقوم کرد و بتمام جهات هریک ازین مسائل تألیف یافته است و باید تصدیق نمود که هر چند تا کنون مملکت و حکومتی باسم مملکت و یا جگهت کرد وجود نداشته است و ندارد ولی « مسئله کرد » با لذات وجود دارد و هر چند لهجه های کردی ایرانی است ولی در این لهجه ها چه بسا موادی پیدا میشود که انسان را دچار تردید و تفکر میسازد و همچنین هر چند مذهب این قوم اسلام است در مذهب یزیدیه و اهل حق (علی الهی ها) چه سنی و شیعی عناصری وجود دارد که با اصول و مبانی اسلام موافقتی ندارد و میتوان آنها را آثار باقیه عقاید و مذاهب باستانی این مردم دانست . »

کتاب « کردها » گذشته از مقدمه مفصل دیگری بقلم خود مؤلف ، مشتمل بر دوازده فصل و یک فهرست اسماء اعلام و یک صورت کاملی از کتابها و تألیفاتی است که بزبانهای مختلف و از آنجمله بزبان روسی تا کنون بچاپ رسیده و تقریباً مشتمل بر سیصد فقره کتاب و رساله میباشد (۱) و علاوه بر آن ۱۵ نقشه جغرافیائی و بیست و شش قطعه عکس هم در آخر کتاب آمده که صورت و لباس و منازل و مساکن قبایلی چند از قبایل کردستان را نشان میدهد .

مؤلف در ضمن مقدمه خود مینویسد که در این کتاب منظور این بوده که این ملتی را که « فراموش شده تاریخ » است با مقامی که در تحولات سیاسی و اجتماعی و معنوی مشرق زمین اسلامی دارد معرفی نماید . . . و چه در زمینه نژاد شناسی و ملت شناسی و باستانشناسی و تاریخ و چه از لحاظ زبانشناسی و کیفیات انسانی قوم کرد برای تحقیق و تدقیق میدان وسیعی است که متأسفانه تا کنون بجهت و علل سیاسی چنانکه شاید و باید امکان پذیر نبوده بخصوص که مسافرت و سیاحت در آن سرزمین هم برای بیگانگان خالی از مخاطرات گوناگون نبوده است چنانکه مثلا در سنه ۱۸۳۰ یک نفر از دانشمندان و محققین آلمانی موسوم به شولتز در همان صفحات بقتل رسید .



فصل اول در باب اصل و منشاء کردها و خصوصیات انسانی « آنتروپولوژی » (۲) آنان است . در این فصل مؤلف محترم از قوم کرد و خوی (۳) باستانی صحبت میدارد که سردار و مورخ نامی یونانی کرنفون (۴) در ضمن وقایع عقب نشینی خود با ده هزار سیاهپانش از آنها سخن رانده است . چنانکه میدانید قسمت مهمی از این عقب نشینی مشهور تاریخی که در سنه ۴۰۰-۴۰۱ قبل از میلاد اتفاق افتاد در سرزمینی بود که امروز خاک کردهاست و میتوان آنرا قسمتی از کردستان خواند و عده ای از مورخین معتقدند که قوم کرد و خوی آباء و اجداد همین کردهای امروزی

(۱) از کتاب گذشته مؤلف محترم که برآستی او را بزرگترین « کردولوگ » (کردشناس) عهد حاضر باید گفت بمقاله های بسیار زیادی هم اشاره کرده و بعضی از آنها را مورد تحقیق قرار داده است .

(۲) Anthropologie علمی است مبنی بر تاریخ طبیعی انسان . (۳) Kardoukhoi (۴) Xénophon

بوده‌اند. چیزی که هست با تحقیقات جدید رفته رفته این فکر و عقیده سست شده است و فعلا علمای بنام این نظر را رد میکنند ولی میگویند کردها همان کبیریتی‌هایی (۱) هستند که مورخین قدیمی و بخصوص سترابون از آنها سخن رانده و در سرزمین مدها (مد کوچک) در ایران ساکن بوده‌اند در صورتیکه معلوم شده است که کردها چند قرن پیش نیست که از خاک ایران به طرف مغرب (ترکیه و عراق شمالی کنونی) آمده و در آنجا سکوت گزیده‌اند.

مستشرق روسی معروف پروفیسور مینورسکی نیز تحقیقات شایانی در باب کردها دارد که میتواند آنها را چنین خلاصه نمود: «در قبایل حقایق تاریخی و جغرافیائی با احتمال قوی قوم کرد از اختلاط و امتزاج دو ایل و عشیره متجانس تشکیل یافته است یعنی از مارودونی (۲) و از کبیریتی (۳) که بلهجه‌هایی از لهجه‌های مدی که خیلی بهم نزدیک بود تکلم مینموده‌اند، و از طرف دیگر قطعی است که کردها در کوچهای خود بسمت مغرب مقداری از عناصر بومی آن صفحات را نیز در خود جذب نموده‌اند. پروفیسور مار (۴) معروف در باب کردها دارای عقیده مخصوصی است. او کردها را بومیان اصلی کوههای آسیای غربی میدانند و معتقد است که زبان کردی در همان سرزمین بوجود آمده است و در اصل از زبانهای یاقنی بوده و به مرور دهور باین شکل کنونی که دارای خصایص لسانی هند و اروپائی است در آمده است. مار نیز مانند مینورسکی عقیده دارد که یک قسمت از خصوصیات نژادی کردها از مدها آمده است.

مؤلف معترم کتاب «کرد و کردستان» در پایان نخستین فصل کتاب خود چنین مینویسد: «خلاصه آنکه در باره اصل و منشأ قوم کرد ما خود را در مقابل دو عقیده و نظریه می بینیم. یک دسته از علما معتقدند که کردها از اقوام ایرانی (هند و اروپائی) هستند و در قرن هفتم قبل از میلاد از سرزمین خود که در اطراف دریای اورمیه واقع بوده به طرف سرزمین بهتان (یا سرزمین کن تریتها (۵)) سرازیر شده‌اند. گروه دیگری از علما عقیده دارند که کردها بومیان اصلی و قدیمی همین سرزمین هستند که فعلاً در آنجا سکونت دارند و این مردم با اقوام دیگری که آنها را عموماً آسیانیک (۶) میخوانند مانند خلدو و گرجیها و ارمنیها قرابت نژادی دارند و سابقاً بزبان همین اقوام تکلم میکردند و زبانشان رفته رفته به مرور زمان بصورت امروزی در آمده و تغییر ماهیت داده رنگ و بو و خصوصیات لهجه‌ای از لهجه‌های هند و اروپائی را گرفته است.

خود کردها چنانکه یکی از مورخین بنام آنها موسوم به امیر شرف خان بیدلیسی در اواخر قرن شانزدهم میلادی (سنه ۱۰۹۶ میلادی) در کتاب معروف خود «شرفنامه» آورده است معتقدند اولاد کسانی هستند که از دست جور و ستم ضحاک گریخته در کوه‌های بلندی که دست کسی بآنها نمیرسید پنهان شدند و بعدها از پرتوزراعت و گله‌داری میزیسته‌اند و بمناسبت شجاعت و تهور زیادی که دارند عربها در حشاشان گفته‌اند الا کرد طائفه من الجن. اما دانشمندان کرد معاصر عموماً خود را هند و اروپائی میدانند چنانکه مثلاً سید حسین حزنی در کتاب خود موسوم به «غنچه بهار» در تاریخ قوم کرد با دلایل و براهینی که مبنی بر اصول زبانشناسی است از همین نظر و عقیده طرفداری نموده است.

Kentrites (۵) N. J. Marr (۴) Kyrtiloi (۳) Mardoï (۲) Cyrtii (۱)
 (۶) Asianiques که ربطی با آسیا ندارد و همان است که علما آنرا «زانتیک» (یاقنی) و یا «الارودیان» هم میخوانند و مقصود این است که این اقوام نه هند و اروپائی و نه سامی میباشند.



فصل دوم کتاب مربوط است بکلمه کردستان . مؤلف مینویسد که کردستان هیچگاه کشور و حکومت مستقلی نبوده همین کلمه نیز اولین بار فقط در قرن دوازدهم میلادی در زمان سلطنت سلطان سنجر سلجوقی دیده میشود که در قلمرو خاک خود ایالتی باسم کردستان تأسیس نمود و مرکز حکمرانی آنرا شهر بهار در شمال غربی همدان قرارداد . اولین مورخی که از کردستان سخن میراند حد لله مستوفی است (قرن چهاردهم میلادی) در کتاب معروف خود نزهة القلوب که در سنه ۷۴۰ هجری تألیف یافته است .

امروز عدّه کردها را باید در حدود دومیون و نیم الی سه ملیون دانست که يك ملیون وهفتصد هزار نفر آنها در خاک ترکیه و تقریباً يك ملیون در ایران زندگی میکنند ، اما خود کردها عدّه خود را خیلی بیشتر از این میدانند چنانکه در مقدمه چاپ اخیر کتاب سابق الذکر « شرفنامه » که در سال ۱۹۳۰ میلادی بطبع رسیده می بینیم که ناشر عدّه نفوس کردها را به هفت ملیون رسانده است بقرار ذیل :

| | |
|----------------|--------------|
| در ایران | ۱۰۵۰۰۰۰۰ نفر |
| در روسیه شوروی | » ۲۵۰۰۰۰۰ |
| در ترکیه | » ۴۵۰۰۰۰۰۰ |
| در عراق | » ۵۰۰۰۰۰۰ |
| در سوریه | » ۲۵۰۰۰۰۰ |

جمع ۷۰۰۰۰۰۰ نفر

ولی رویهمرفته شاید بتوان عدّه کردها را در ممالک مسطوره در فوق در حدود ۵ ملیون دانست بقرار ذیل :

| | |
|---------------------|---------------|
| در ترکیه | ۲،۹۸۷،۹۶۰ نفر |
| در ایران | » ۱،۳۰۰،۰۰۰ |
| در عراق | » ۷۴۹،۳۸۰ |
| در سوریه | » ۲۸۹،۹۴۰ |
| در روسیه (ارمنستان) | » ۶۰۰،۰۰۰ |

که رویهمرفته بالغ میگردد به ۵،۳۸۷،۲۸۰ نفر .



مؤلف در ضمن فصل سوم که از وضع زندگی و شغل و کار و عادات و رسوم کردها صحبت میدارد در خصوص کردستان ایران مطالب زیاد بسیار سودمندی آورده است و از آنجمله بر طبق نوشته یکنفر از مؤلفین ایرانی موسوم به شمیم همدانی اصلاحات یازده گانه ذیل را برای سرزمین نامبرده پیشنهاد مینماید :

- ۱ - ایلات کرد چادر نشین سرحدی را باید بصفحات غیر کوهستانی انتقال داده آنها را بزراعت و کشاورزی آشنا ساخت . باید برای هر یک از این ایلات نماینده صلاحیتداری از طرف وزارت کشاورزی فرستاد که مأمور تخته قاپو ساختن آنها و آشنا ساختن آنها بامور زراعتی باشد .
- ۲ - بر عدّه معلمها و دانش آموزهای سیار باید افزود و بر حسب تعداد پسران و دختران باید در نقاط معینی مدارس لازم ایجاد نمود . زبان تعلیم فارسی خواهد بود .

- ۳ - در کرمانشاه و سنندج و مراکز مهم دیگر باید مدارس حرفه‌ای و فنی تأسیس نمود که حرفه‌های مهم را از قبیل نجاری و خراطی و بنائی و آهنگری باطفال بیاموزند .
- ۴ - بانک کشاورزی باید شعبه‌ای در کردستان داشته باشد که نگهدارنده برعایای کرد از طرف ملاکین ظلم و اجحافی بعمل آید .
- ۵ - ایجاد چند باب کارخانه فرش بافی و رنگرزی ، و آموختن این حرفه‌ها باطفال .
- ۶ - جلوگیری از قاچاق در صفحات مریوان و اورامان که خیلی رواج دارد و بتجارت زیان میرساند .
- ۷ - باید باهالی کردستان یاد داد که محصول خود را بخصوص میوه خشک را بجهه ترتیبی باید تهیه و صادر کنند .
- ۸ - برای حفظ جنگلهای کردستان باید اقدامات مؤثر بعمل آید .
- ۹ - برای اصلاح مناسبات بین‌الملک و رعیت باید قانون ساده‌ای که قابل اجرا باشد وضع نمود .
- ۱۰ - راهسازی در کردستان اهمیت زیاد دارد بخصوص راههایی که از کرمانشاه باذربایجان و عراق عجم و بین‌النهرین می‌رود .
- ۱۱ - بهداشت و جلوگیری از تلفات کودکان .

مؤلف پس از آنکه در فصلهای چهارم و پنجم از شخصیت کردها و خصایل و اخلاق آنها و از خانواده‌کرد و منزل و مسکن و لباس و غذا و اهمیت زنان و عزا و عروسی بتفصیل سخن میراند در فصل ششم و هفتم بساختمان اجتماعی کردها می‌پردازد و از کیفیات زندگی ایلبانی مطالب مفصل بسیار سودمند ذکر مینماید که دانستن آن برای ما ایرانیان نهایت اهمیت را دارد . این دو فصل که مشتمل بر شصت و شش صفحه بزرگ است برای ما خوانندگان ایرانی از جمله سودمندترین فصول کتاب است و سزاوار است که اگر توفیق نیابیم هر چه زودتر تمام کتاب را برای نفع عامه بفارسی بترجمه رسانیده منتشر سازیم لا محاله همین دو فصل را بشکل رساله‌ای پس از ترجمه بچاپ برسانیم . در ضمن همین فصل هفتم است که مؤلف ایلات کرد ایران را می‌شمارد و از آنجمله درباره ایلات و عشایر مکرری و اردلان و جاف و کلهر اطلاعات جامع بسیار مفیدی ذکر مینماید .

در فصل دهم از جنبش ملی قوم کرد مطالبی آمده که دانستن آنها برای اولیای امور چه در ایران و چه در ممالک کردنشین دیگر نهایت اهمیت را دارد .

فصل یازدهم و فصل دوازدهم مربوط است بزندگانی معنوی کردها یعنی مذهب و ادبیات . در زمینه عقاید و مذاهب کردها آن قسمتی که اهمیت مخصوص دارد همانا قسمتی است که از مذهب یزیدیها سخن میراند . مؤلف از کتاب نفیسی صحبت میدارد که در همین سنوات اخیر یعنی در سنه ۱۹۳۸ میلادی بزبان فرانسه انتشار یافته است و اسم مؤلف و عنوان آن از قرار ذیل است : « ر . لسکو : تحقیقات درباره یزیدیهای سوریه و جبل سنجر » (۱) و کسانی که طالب اطلاعات جامعی در این باب باشند میتوانند

بدان کتاب مراجعه نمایند و لهذا در این مقاله که گنجایش و حوصله این قبیل مباحث مفصل را ندارد بهمین اشاره قناعت می‌رود. چیزی که هست چون برای ما ایرانیان کلمه چلبی که در مورد ذکر منوی مولای روم واحوال مولانا بیان می‌آید اهمیت خصوصی دارد بی‌مناسبت نخواهد بود که عقیده دانشمند معروف روسی پروفیسور مارا که سابقاً نیز نام نامی ایشان در طی همین مقاله مذکور گردیده بطور اختصار بیان نمایم.

این دانشمند تحقیقات مفصلی در باب این کلمه بعمل آورده و بدین نتیجه رسیده است که کلمه چلبی ابتدا در اوایل قرن چهاردهم میلادی در میان ترکهای سلجوقی رایج گردیده است و آنها نیز آن کلمه را از کردها گرفته‌اند و خود کردها نیز این کلمه را از کلمه آرامی (Tslim-Tselme) گرفته‌اند که بمعنی صورت وبت و خدا و خداوند کار می‌باشد و چلبی بعدها دارای معانی و مفاهیم بسیاری گردید از قبیل «خدائی» «اصیل» «ارباب» «آقا» و غیره و همچنین شاعر و خنیاگر و باسواد و دانشمند و با ادب و برازنده و خواجه (بمعنی ارباب). دانشمند روسی از همین تحولاتی که در مورد این لفظ و معانی آن بعمل آمده به نتایج و استنباطهای زیادی رسیده است که بظن و زعم او همه چنانکه سابقاً گذشت دلالت دارد بر اینکه کردها ساکنین بومی همین سرزمینی هستند که امروز بین ایران و روسیه و ترکیه و عراق و سوریه قرار گرفته و موسوم است به کردستان. وانگهی در همین فصل در باب درویشهای مولوی که فرنگیها آنها را «درویشهای چرخنده» میخوانند و شباهت پاره‌ای از اعمال و افعال و عقاید و افکار و حتی رنگ و شکل کلاه آنها با پیروان مذهب مانی مطالب بسیار نفیسی مذکور گردیده که اطلاع یافتن بدان برای کسانی که در باب مولوی تحقیقات مینمایند بسیار ارزش دارد.

در همین فصل در باب علی‌اللهی‌ها یا اهل حق نیز مطالب و تحقیقات بسیار نافع آمده است که چون استاد مینورسکی معروف در آن باب کتاب و مقاله جامعی دارد (۱) در اینجا بهمین اشاره مختصر اکتفا می‌رود.

از جمله مطالب بسیار طرفه‌ای که در باب اوهام و خرافات کردها در ضمن همین فصل یاد شده آمده است یکی هم «پرستش خر» در نزد پاره‌ای کردها هست باین معنی که یک نفر از دانشمندان فرانسوی موسوم به یرزیلوسکی (۲) در ضمن صحبت و محاوره‌ای شفاهاً بمؤلف کتاب «کردو کردستان» اظهار داشته است که بدلائل و قرائن میتوان معتقد شد که از پرستش و یا احترام به خر که در قدیم الاپام در نزد بعضی از اقوام و مردم معمول بوده در میان بعضی از کردها آتاری باقی مانده است، و همین شخص در مقاله خود «زبان‌شناسی و علم الاساطیر مقایسه‌ای» (۳) چنین مینویسد: «بنا بر گفته سترابون جنگجویان قوم کارامانی فقط «آرس» را می‌پرستیده‌اند و هر وقت اسب نداشتند برای او خر قربانی میکردند. آرس اسمی است که یونانیان به (Vrdragna) میدادند و اهمیت این گفته سترابون وقتی بز ما معلوم میگردد که در نظر بیاوریم که احترامی که در تمام مشرق زمین برای خرقائند علامت آتاری است

V. Minorski: 1^e «Matériaux pour l'étude de la secte persane des Gens (۱) de la Vérité ou Ali Allâhi, Moscou. 1911 (en russe). 2^e Notes sur la secte des Ahl-é-Haqq, Paris 1921 in R. M. M.

(۲) Professeur J. Przyluski (فرانسوی اصلاً لهستانی).

(۳) «Linguistique et Mythologie Comparée» Revue de l'Histoire Religieuse, t. CXV. Nos. 2-3 Mars-juin 1937.

که از عقاید و مذاهب بسیار قدیمی حکایت میکنند چنانکه میتوان احتمال داد که این عقاید و مذاهب بدوره پیش از عهد هند و اروپائیان تعلق دارد .

در باب شعر و شاعری کردها نیز در کتاب « کرد و کردستان » میتوان مطالب و اطلاعات بسیار ممتازی بدست آورد . معلوم میشود کردها بجای قصیده قطعاتی دارند موسوم به لاوژ (۱) که عاری از وزن و قواعد عروض است .

مؤلف کتاب « کرد و کردستان » در مورد صحبت از این نوع شعر کردی مینویسد « کردها همانطور که نتوانسته اند يك مملکت و حکومت ملی با دوامی بوجود بیاورند در مقام شعر و شاعری نیز نتوانسته اند از مرحله ایلیاتی که بکلی بی نظم و ترتیب و انفرادی است تجاوز نمایند و رویهمرفته بنظر میرسد که مزاجشان اساساً چه در سیاست و چه در زمینه شعر و شاعری و همچنین در هر زمینه دیگری با نظم و نسق سازگار نیست . .

نکته قابل ملاحظه این است که بنا بر گفته مؤلف کتاب « کرد و کردستان » (۲) در قسمت شمال غربی کردستان شاعرهای دوره کردرا « دنک بز » (۳) میگویند .

کردشناس آلمانی معروف پروفیسور مان فقیه که دوست قطعه از اشعار کردی را از غزل و قصیده جمع آورده و بطبع رسانیده است (با ترجمه آلمانی) مهمترین قطعات این مجموعه دارای عنوانی است از این قبیل « مم وزین » (۴) که اهمیت آن بیشتر از قطعات دیگر است و « لاس و خزال » (۵) و ناصر و ململ (۶) و « فرخ و آستی » (۷) و « جولندی » (۸) .

اخیراً نیز در سال ۱۹۳۶ اداره انطباعات جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان کتابی بزبان کردی در ۶۶۳ صفحه در هزار نسخه در ایروان بچاپ رسانیده که مشتمل است بر قطعات منظوم بسیاری (بدون ترجمه) که همه از اخلاق و عادات و رسوم کردهائی که در آن نواحی یعنی در حدود ارمنستان روسیه ساکنند حکایت مینماید . مهمترین قطعه این مجموعه موسوم است به « کرو کیلیک » (۹) که بنظم و نثر بهرام آمیخته است و قصه افعال و اعمال دوبر ادراست بنام کرو کیلیک . قطعه دیگر آن مجموعه بعنوان « زنبیل فروش » است . این قطعه را پروفیسور مان سابق الذکر هم در مجموعه خود بلهجه کردی دیگری آورده است .

مطالبی که مؤلف محترم ددضمن همین فصل دوازدهم در خصوص ادبیات و زبان کردی آورده بلاشک از جمله دلنشین ترین اطلاعاتی است که خواننده این کتاب بدست میآورد .

در باب ادبیات کردی باید دانست که همانا از اوایل قرن یازدهم میلادی یعنی هشتصد نهصد سال قبل مؤلفینی را می شناسیم که بزبان کردی آناری از خود باقی گذاشته اند . از آن جمله است علی حریری که دیوانش هر چند هنوز بچاپ نرسیده موجود است . از آن پس نیز و بخصوص در قرنهای دوازدهم تا چهاردهم اسامی شعرای بسیاری معروف است که عموماً کرد بوده اند و بزبان کردی

(۱) املاء این کلمه بخط فرنگی از اینتراراست lāwz و تلفظ صحیح و املائی آن بفارسی برنگارنده مجهول است . (۲) بتقل از O. Mann کردشناس معروف (Kurdologie) آلمانی .

(۳) dengbej (املاء و تلفظ فارسی این کلمه برنگارنده معلوم نگردید و رویهمرفته بمعنی خواندن شعر است (récitation) . « دنک » بمعنی صدا و نغمه و فریاد است و « بز » از فعل کردی « بزین »

بمعنی گفتن است . (۴) Mêm-o-Zîn (۵) Las-o-Khezal (۶) Nasir-o-Malml

(۷) Ferkh-o-Asti (۸) Djulindi (۹) Kerr-o-Kilik

شعر گفته‌اند و معروفترین آنها یکی احمدملای جزیره‌ایست و دیگری فقید طیران که منظومه معروف دارد بنام «اسب سیاه» (۱) و ملابانة حکباری. ولی از تمام اینها معروفتر همانا احمد خانی است که او را «فردوسی کرد» خوانده‌اند. احمد خانی در سال ۱۵۹۱ میلادی در حکباری بدینا آمده و در شهر بایزید در سنه ۱۶۵۲ در گذشته است. منظومه حماسی معروف او موسوم است به «م و وزین» که در طی این مقاله اشارهای بدان رفته است ولی ازین منظومه گذشته آثار منظوم دیگری نیز آژو باقی مانده که از لحاظ بلندی فکر و عرفان چه بسا مثنوی مولوی را بخاطر می‌آورد. پس از احمد خانی باید از مقلدین او نام برد بخصوص از اسمعیل بایزیدی و شرف‌خان جولامرگی و مراد خان بایزیدی. اکنون مراکز عمده فرهنگ و ادبیات کرد یکی در دمشق است که مکرر تألیفاتی را که بزبان کردی نوشته شده و سبک و شیوه احمد خانی را دارد بطبع رسانیده منتشر می‌سازند و دیگری در بغداد که در آنجا از سبک و شیوه باباطاهر عریان طرفداری مینمایند.

طرفداران فرهنگ کردی در دمشق مجله‌ای تأسیس نمودند با اسم «هواز» «ندای نگرانی» که الفبای مخصوصی برای زبان کردی وضع نموده که دارای سی و یک حرف است و اساسش مانند الفبای جدید ترکیه بر الفبای لاتینی است.

برای اطلاع یافتن بنهضت فرهنگ کردی در بغداد بهتر است بکتابی که دو باب «تالیفات بزبان کردی جنوبی» (۲) انتشار یافته مراجعه نمود. ازقراری که در این کتاب مذکور آمده معلوم میشود که در سلیمانیه هفت مجله و جریده و در هریک از سه شهر روازوز و اربیل و کرکوک یک روزنامه و در بغداد چهار مجله و روزنامه بزبان کردی انتشار می‌یافته است. مؤلف این کتاب م. ادموندس است که مدت زمانی در بغداد سکونت داشته اکنون در لندن معلم زبان کردی است.

چنانکه لابد میدانید عهدنامه سور که پس از جنگ عمومی اول در سنه ۱۹۲۰ میلادی منعقد گردید فصلی دارد (فصل سوم مواد ۶۲ تا ۶۸) مبنی بر اینکه باید کردستان بصورت مملکت مستقلی درآید ولی نهضتی که بدست کمال اتاترک در ترکیه بعمل آمده این قضایا را نقش بر آب کرد و در سنه ۱۹۲۴ میلادی قرارنامه‌های لوزان عهدنامه سور را ملغی ساخت. در موقع عقد عهد نامه سور کردها برای تحصیل استقلال تلاش بسیاری نمودند و در اعلامیه‌هایی که بمحافل سیاسی میفرستادند مدعی بودند که نوزده درصد خاک و بیست و چهار درصد نفوس ایران و ترکیه و عراق کرد است و از آن گذشته در سوریه و روسیه شوروی نیز عمده زبادی کرد زندگی میکند (۲۵۰۰۰۰۰ در سوریه و ۱۶۰۰۰۰۰ در روسیه شوروی) و از اینقرارد تقریباً نه میلیون کرد در سرزمینی که مساحت آن بالغ بر ۵۲۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع است ساکن هستند.



امید است که این کتاب بسیار نفیس بهمت جوانان معرفت دوست ما بفارسی بترجمه رسیده و در دسترس استفاده عموم هموطنان قرار بگیرد.

ژنو. آبان ۱۳۳۵

سید محمدعلی جمال‌زاده

(۱) این شاعر با اسم مستعار میم‌های شعر می‌گفته است.

(۲) C. Y. Edmonds : "Bibliographie du Kurde méridional, 1920-1939 (j. of R. C. Asiat soc Vol. XXIV, July 1937)